

کمیسیون عالی تنظیم مقررات پیش بینی شده در طرح نه تنها بر ظرفیت نظام در حوزه حکمرانی فضای مجازی نخواهد افزود، بلکه پیش بینی می شود به سرعت در جهت عکس نیت قانونگذار حرکت کند و بر آتش ناکارآمدی نهادی فعلی بدمد

از پیش شکست خورده به نظر می رسد. شیوه قانونگذاری برای ساماندهی یا تصمیم گیری درباره این موارد نیز از یک جنس نیست و دست کم در مواردی همچون سهم بندی درآمد ترافیک، بسترهای جایگزینی مانند کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات، هیأت دولت، کمیسیون های موجود در شورای عالی فضای مجازی و... موجود و فعال اند و امکان طراحی، ارزیابی و تصویب الزامات را در فضای تخصصی تر در اختیار قانونگذار می گذارند.

برده اول

• بحران هویت: من این همه نیستم!

طرح حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی به توضیح دامنه اختیارات کمیسیون عالی و ترکیب پیشنهادی جدید آن اختصاص پیدا کرده است. در واقع، به کلیه مسائلی که محل اختلاف میان مرکز ملی فضای مجازی و وزارت ارتباطات دولت دوازدهم و کم کاری های انجام گرفته از سوی این وزارت و بخش های زیرمجموعه آن از جمله شرکت ارتباطات زیرساخت، سازمان فناوری اطلاعات، شورای اجرایی فناوری اطلاعات و سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی با انتقال مسئولیت های مشابه به کمیسیون عالی تنظیم مقررات است، پاسخ داده است. این موضوع در ظاهر، ساده ترین راهکار برای جلوگیری از تکرار ناکارآمدی های پیشین در حوزه حکمرانی فضای مجازی کشور به نظر می رسد اما در عمل کمیسیون عالی را از هویت و کارکرد اصلی خود تهی کرده و تکلیف سختی را بر آن تحمیل خواهد کرد.

دامنه اختیاراتی که به موجب طرح حمایت، به کمیسیون عالی تنظیم مقررات سپرده می شود، از شئون سیاستگذاری و تعیین خط مشی های کلان گرفته تا تنظیم گری و نظارت و حتی تسهیل گری را شامل می شود. پیامد این امر، تضعیف تدریجی نهادهایی است که تا پیش از این، نوعی هم گرایی و هماهنگی بین آنها از طریق کمیسیون عالی تنظیم مقررات به عنوان مرجع یکپارچه ساز تنظیم گری فضای مجازی وجود داشت. تفکیک قائل نشدن میان شأن سیاست گذاری و تنظیم گری، امکان تمرکز بر وظایف و تخصص گرایی را در مواجهه با مسائل از کمیسیون سلب کرده و فرایند انطباق با این دامنه گسترده اختیارات را زمان برود شوار می سازد.

سپردن اختیار سیاستگذاری و تهیه و تصویب ضوابط فعالیت خدمات پایه کاربردی در بسیاری زمینه ها به کمیسیون، کمیسیون را از لحاظ سیاسی تقریباً هم سطح با شورای عالی فضای مجازی قرار می دهد. این موضوع می تواند زمینه ساز تضاد نهادی و کارشکنی های دو طرفه در انجام وظایف قانونی باشد.

بسیاری از مسائل، نظیر کودک و نوجوان، مالکیت فکری، زیست بوم هویت معتبر، صیانت از حریم خصوصی و... که تعیین تکلیف آنی و تهیه ضوابط آنها به کمیسیون عالی تنظیم مقررات سپرده شده، نیازمند قانون در سطح مجلس اند. برای مدت ها کشور در این زمینه فاقد قانون بود و نمی شد یک شبه و با تعیین مهلت های چند هفته ای و ضربتی به راهکار عملیاتی رسید؛ دامنه شمول آن نیز صرفاً به حوزه فضای مجازی محدود نیست. این تقویض در حکم دور زدن شورای نگهبان و تصاحب اختیارات مجلس شورای اسلامی در زمینه قانون گذاری تلقی می شود. همچنین برخورد مقطعی با مسائل استراتژیک نظام و کشور را به همراه خواهد داشت که هر دو به یک اندازه نامطلوب اند.

دست آخر، در صورت تصویب، کمیسیون عالی تنظیم مقررات به پشتوانه قانون مجلس و جرم انگاری های

گسترده برای مصادیق تعدی، پیامدی جز سلب مسئولیت و انفعال در میان سایر ذینفعان حوزه فضای مجازی نمی توانست به همراه داشته باشد. اختیارات و قدرت اجرایی این کمیسیون روی دیگری نیز به خود می گیرد که همانا مقصود تراشی به جای حل مسأله است. دور از انتظار نبود که در صورت تصویب، همه تقصیرها و کم کاری های یکی پس از دیگری برگردن کمیسیون بیفتند. مادامی که مرجع تصمیم گیری برای مالکیت فکری، نظارت بر فعالیت پلتفرم ها، قیمت گذاری، تعرفه گذاری و حمایت از تولیدات داخلی همه و همه در کمیسیون عالی تنظیم مقررات خلاصه شود، هر نهادی می تواند عملکرد ضعیف خود را بر گردن یک کمیسیون بیندازد.

کمیسیون عالی تنظیم مقررات پیش بینی شده در طرح نه تنها بر ظرفیت نظام در حوزه حکمرانی فضای مجازی نخواهد افزود، بلکه پیش بینی می شود به سرعت در جهت عکس نیت قانونگذار حرکت کند و بر آتش ناکارآمدی نهادی فعلی بدمد. اگر تا به امروز نسبت دادن همه مشکلات و گاستی ها در مسیر توسعه کشور به تحریم های خارجی موضوعی بود که مکرراً رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) درباره آن هشدار می دادند، تصویب طرح حمایت، شانه خالی کردن از مسئولیت ها را به نحوی میسر خواهد کرد که از قضا بازگشت پذیری آن به واسطه تصویب در مجلس به مراتب دشوارتر باشد.

برده دوم

• بستجی سه بار در نمی زند

بر اساس طرح حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی، کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی راهبرد اصلی خود را برای ارتقای سطح حکمرانی کشور در قبال پلتفرم های اثرگذار خارجی در دو سطح تعریف می کند: ۱. تعامل؛ پذیرش شرایط کمیسیون و ۲. مسدودسازی؛ در صورت نپذیرفتن شرایط

برای ارزیابی میزان موفقیت و پیش بینی پیامدهای احتمالی این سیاست، تجربه تعامل با پیام رسان تلگرام را در سال ۱۳۹۶، می توان نمونه ای از اجرای این سیاست دو سطحی در نظام حکمرانی فضای مجازی کشور در نظر گرفت. سیاستی که با گذشت حدوداً ۴ سال، دستاوردی جز ناکامی و کاهش اقتدار در زمینه تحقق منافع ملی و برطرف کردن دغدغه حکمرانی فضای مجازی کشور به دنبال نداشته است. از منظر حکمرانی، نکته مهم در تجربه تلگرام این است که اگر سیاست مسدودسازی همانند آنچه درباره تلگرام رقم خورد، با جایگزین سازی مناسب و با کیفیت برای کاربران همراه نشود و در عوض شهروندان را به یافتن راه های دور زدن با فیلتر شکن و VPN و عادی سازی این ابزارها در سبد مصرف مجازی آنها سوق دهد، آنگاه مشروعیت و اثربخشی عمومی تصمیمات نظام حکمرانی کشور با چالش مواجه می شود.

چشم انداز ترسیم شده در طرح به دلایلی که در ادامه ذکر می شود، نمی تواند مشروعیت و اعمال حکمرانی بر فضای مجازی را ارتقا بخشد. در مقابل، با فرصت سوزی و رنگ باختن اعتبار و اثربخشی تصمیمات و سیاست های کلان کشور در این زمینه، عرصه را برای جولان پلتفرم های خارجی، مانند بیانیه پاول دوروف درباره فیلترینگ تلگرام در ایران و چین در تیر ۱۳۹۹ مهیا کرده و از دست دادن فرصت های کنونی برای ترمیم و بهبود تجربیات ناموفق گذشته مهیا خواهد کرد:

۱. انزوا و محروم ماندن از ظرفیت حمایت گری و اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه، بویژه شیعیان عراق،